

جنبشی برای آزادی زندانیان سیاسی

ارژنگ بامشاد

دستگیری گسترده جوانان و نوجوانان در جریان تظاهرات ضد حکومتی مسابقات فوتبال، زندان‌های رژیم اسلامی را یک بار دیگر با کمبود جا مواجه ساخته است. حاکمان اسلامی برای در هم شکستن اعتراضات گسترده‌ی جوانان، راه سرکوب همه جانبه را در پیش گرفته‌اند. آن‌ها با تمرکز نیروهای انتظامی، ضدشورش و بسیجی در میادین و خیابان‌های اصلی شهرها، و با برپایی دادگاه‌های "انقلاب" سیار، و با تهدیدات گوناگون، می‌خواهند جلو گسترش حرکت‌های اعتراضی جوانان و نوجوانان و مردم را بگیرند. این نکته‌ای است که تمامی جناح‌های حکومتی بر سر آن توافق دارند. از همین‌روست که محمدرضا خاتمی رهبر حزب مشارکت اسلامی و نایب‌رئیس مجلس می‌گوید: «گاهی لازم است در مقابل کسانی که آرامش جامعه را به خطر می‌اندازند ایستادگی کرد. در مقابل قانون‌شکنان باید ایستاد و فریاد زد. آن وقت جامعه احساس آرامش می‌کند». و یا مرتضی نبوی رئیس واحد سیاسی «جامعه مهندسين»، یکی از جریان‌های هم‌سو با «جمعیت مؤتلفه‌ی اسلامی» نیز تأکید می‌کند: «اوباش‌گری هم‌چنان که ریاست محترم جمهور تصریح کرده‌اند جرم است و مسئولان امنیتی کشور موظفند سریعاً در این مورد اقدام کرده و عوامل اصلی و تحریک‌کنندگان را شناسایی و به مجازات قانونی برسانند. هیچ تأخیر و اهمالی در مقابله با اوباش‌گری و به ویژه شناسایی عوامل اصلی و پشت پرده آن پذیرفتنی نیست». (ایرنا- ۴ آبان ۸۰)

تمام عزم رهبران رژیم اسلامی برای سرکوب، تنها پارامتر تأثیرگذار بر حوادث نیست. امروز جنبش جوانان و مردم از آن‌چنان قدرتی برخوردار شده است که نه از این تهدیدات هراس به خود راه می‌دهد و نه به اسارت افتادن هزاران جوان، مانع تداوم حرکت‌ها و اعتراضات توده‌ای می‌شود. این جنبش ریشه در اعماق دوانده، اکنون در شرایطی است که برای استحکام و تداوم خود باید مدام راه‌ها و جبهه‌های مبارزاتی جدیدی بگشاید و در تمامی عرصه‌ها حاکمان دینی کشور را به محاصره درآورد.

یکی از مهم‌ترین جبهه‌هایی که اکنون باید گشوده شود، جنبش مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی است. شعار آزادی زندانی سیاسی، بویژه در شرایط کنونی ایران، شعاری است که نه تنها خصلت بسیج‌کننده‌ی بالایی دارد، بلکه خود عاملی است برای وحدت مبارزات اقشار و طبقات گوناگون. شعار «زندان سیاسی آزاد باید گردد!»، هم جوانان دستگیر شده در تظاهرات و اعتراضات اخیر را در بر می‌گیرد؛ هم دانشجویان زندانی که بویژه از ۱۸ تیر ۷۸ تاکنون در اسارت به سر می‌برند را شامل می‌شود؛ هم روزنامه‌نگاران و اهل قلم را مدنظر دارد؛ هم کارگران زندانی را پوشش می‌دهد و هم اقلیت‌های ملی و مذهبی اسیر را در کنار بقیه زندانیان سیاسی و عقیدتی قرار می‌دهد. بدیگر سخن مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه‌ای است فراگیر و توده‌ای که می‌تواند به هم‌بستگی توده‌ای و مبارزاتی کمک‌های شایانی برساند.

تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی، چه در تهران و چه در شهرستان‌ها، عاملی است که خانواده‌های بسیاری را به هم نزدیک می‌کند. روشن است که بخشی از خانواده‌ها که مدام به دلیل مبارزه‌شان برای آزادی عزیزان‌شان با مسئولان حکومتی درگیر بوده‌اند، از تجربه‌ی بالایی در این راستا برخوردارند. آن‌ها می‌توانند به خانواده‌هایی که برای اولین بار برای نجات نونهالان و جوانان‌شان به درگیری مستقیم با قوه قضاییه و مسئولین دادگاه‌های "انقلاب" کشیده شده‌اند، کمک کرده و تجارب خود را منتقل سازند. این امر در مسیر خود زمینه را برای سازماندهی ارتباطات سیال میان خانواده‌های گوناگون برقرار کرده و زمینه متشکل شدن و ایجاد تشکلی مستقل برای آزادی زندانیان سیاسی را بوجود می‌آورد. تشکلی که بتواند، هم به امر مبارزه جاری خانواده‌ها کمک برساند و هم تداوم این مبارزه ضروری در حکومت اسلامی را تضمین کند و هم عاملی باشد که در مواقع ضرور وارد عمل شود.

متشکل شدن خانواده‌ها بر بستر مبارزه‌ی کنونی‌شان می‌تواند به امر مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی کمک شایانی برساند. اما مهم‌تر از آن نقش چنین تشکل و یا ارتباطات اولیه در شرایط کنونی، بسیج خانواده‌ها و وارد آوردن فشار بر نهادهای سرکوب رژیم و بر کل حاکمیت است. حال که جوانان کشور هزار هزار دستگیر و زندانی می‌شوند، خانواده‌های زندانیان نیز باید هزار هزار به جلو دادگاه‌های انقلاب؛ به جلو ارگان‌ها و نهادهای گوناگون؛ به مقابل دفاتر سازمان ملل متحد رفته و فریاد اعتراض خود برای آزادی زندانیان سیاسی را بلند کرده و به گوش جهانیان برسانند.

اما مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تنها امر خانواده‌ها نیست. کارگران، دانشجویان و خود جوانان مبارز، می‌توانند و باید آزادی هم‌زمان‌شان را به یکی از محوری‌ترین خواست‌ها تبدیل کنند. همان‌گونه که نیروهای سیاسی و تشکل‌های دموکراتیک خارج از کشور نیز باید با استفاده از تمامی امکانات بین‌المللی، فریاد اعتراض خانواده‌های زندانیان سیاسی را به گوش نهادهای مدافع حقوق بشر و احزاب و سازمان‌های سیاسی مترقی و آزادی‌خواه و افکار عمومی جهان برسانند و از این طریق فشار لازم را بر دولت‌هایی اروپایی وارد آورند. دولت‌هایی که بیش از آن که به فکر حقوق بشر باشند، با سفرهای خود به تهران، به فکر تحکیم جای پای خود در ایران هستند. ۵ آبان ۸۰- ۲۷ اکتبر ۲۰۰۱